

## واکاوی مفهومی قدرت نرم و راهکار (فرصت)‌های ایران در قبال آن

سید امیر مسعود شهرام نیا، علی ابراهیمی و میثم بلباسی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

m\_shahramnia@yahoo.com

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

a\_ebrahimia@yahoo.com

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

belbasi.meisam@yahoo.com

### چکیده

با گذار از عصر سنتی و گسترش فن آوری‌ها و اطلاعات بشری، ابزارهای کاربرد آنها هم با تغییراتی مواجه شد که از جمله آنها می‌توان به کاربرد سلاحهای نظامی اشاره کرد. شرایط جدید نظام بین‌الملل باعث شده است تا مؤلفه‌های جدیدی در ساختارهای رسمی بین‌الملل نقش ایفا کنند و کشورها برای دستیابی به اهداف و خواسته‌های خود برای تأمین منافع ملی، ابزارها و راه‌های جدیدی را به کار گیرند که از مهمترین آنها می‌توان به بهره‌گیری از قدرت نرم به جای قدرت سخت اشاره داشت. چنانکه هر چه به دهه‌های اخیر نزدیک تر می‌شویم به دلیل کاهش مشروعیت، هزینه‌های زیاد و ناکامی‌های کارکردی در بکارگیری از قدرت سخت، از کاربرد آنها کاسته و قدرت نرم جایگزین آنها شده است. از این منظر، دولت‌ها می‌توانند با ارائه تصویری جذاب از خود نزد افکار عمومی جهان، به ابزارهای مقبولی جهت پیشبرد اهداف و سیاست‌های خود دست یابند. بر این اساس، نوشتار حاضر در مقام پاسخ‌گویی به این سؤال است که با توجه به فضای حاکم بر روابط بین‌الملل، جمهوری اسلامی چگونه می‌تواند برای مقابله با تهدیدات خارجی علاوه بر قدرت سخت، از قدرت نرم استفاده نماید؟ به نظر می‌رسد، جمهوری اسلامی ایران با توجه مؤلفه‌های قدرت نرم به‌ویژه در حوزه علم، هنر و شرایط فرهنگی خاص خود امکان بهره‌گیری از قدرت نرم را داراست و از ظرفیت لازم در بهره‌گیری از آن با توجه به موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خود برخوردار است. از این رو، ایران با توجه به ظرفیت‌ها و گرایش‌های خاص خود، درمقابل با جنگ نرم دشمن از قابلیت خنثی کردن و ظرفیت بکارگیری از آن با توجه به راهکارهای پیش رو برخوردار است.

**واژه‌های کلیدی:** قدرت نرم، قدرت سخت، افکار عمومی، جمهوری اسلامی ایران.

## مقدمه

اسلام نه بر اساس قدرت سخت، بلکه با تکیه بر قدرت نرم گسترش یافت.

قدرت نرم، در اصطلاح به معنای توانایی شکل دهی به ترجیحات دیگران از طریق اقناع و جذب دیگران به گونه ای آشکار اما نامحسوس است که برای کسب نتایج مطلوب از طریق جذابیت به جای اجبار یا تطمیع بکار گرفته می‌شود و با به‌کارگیری ابزارها و شیوه‌های غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر خواهد گذاشت (نای، ۱۳۸۷: ۴۳-۴۶).

در این راستا قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت که دارای ماهیتی ایستا و بسیط است، ماهیتی ژلاتینی و چند بعدی دارد. عدم مشروعیت کشورها در بکاربردن قدرت سخت و ناکامی‌های کارکردی بسیار در آن، سبب شده است تا به ابزارهای جدید رو آورده شود؛ ابزارهایی که هزینه‌های کمتری برای آن تقبل کرده و از تلفات جانی و مالی تا حد زیادی بکاهد و در عین حال، افکار عمومی را با خویش همراه سازد. بر این اساس کشورهای مختلف توجه ویژه‌ای به آن نمودند.

دارندگان قدرت نرم برای قدرت نمایی خود همواره از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند. از این رو، تلاش آنها عملاً برای کشور هدف، جنگ نرم و راهبرد نرم محسوب می‌شود. اگر چه ابعاد و تحول جنگ نرم را در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و حتی مدیریتی می‌توان به خوبی مشاهده کرد، اما حوزه مانور جنگ نرم در عرصه فرهنگی وسیع‌تر است. از این رو، کشورهایی که مخصوصاً از فرهنگ غنی برخوردارند و فرهنگ و ارزش‌های آنها علت موجه اقتدارشان محسوب می‌شود، همواره مورد تهاجم فرهنگ و جنگ نرم در این عرصه قرار دارند. در عین حال، امکانات و اعتبارات فرهنگی می‌توانند به عنوان

در مطالعه و تحلیل قدرت<sup>۱</sup>، معمولاً عناصر محسوس قدرت (قدرت سخت) را به عنوان ارکان اصلی قدرت یک کشور در نظر می‌گیرند (ژانگ، ۲۰۰۱: ۱۱۷). با این وجود، تحولات جریان‌ساز عرصه جهانی پس از پایان جنگ سرد سبب کاهش رواج ابزارهای سخت افزاری قدرت و اقبال روز افزون بازیگران کوچک و بزرگ به کاربرد قدرت نرم جهت تحمیل اراده به یکدیگر شده است. به عبارتی دیگر تحولات شگرف محیط بین‌الملل طی دهه‌های اخیر سبب بروز دگرگونی عمیقی در شیوه‌های اعمال قدرت میان بازیگران شده است. بگونه‌ای که ظرفیت جهان کنونی برای کاربرد ابزارهای سخت افزاری قدرت در مقیاس وسیع مضیق گشته و جهانیان، دیگر شعله ور نمودن پیاپی آتش جنگ‌های خونین را همچون گذشته بر نمی‌تابند، لذا کاربرد قدرت نرم از جنبه‌های گوناگون بر قدرت سخت چربش و برتری یافته است، تا آنجا که حتی ابرقدرت جهانی<sup>۲</sup> را نیز از توجه جدی به شیوه‌های نوین تحمیل اراده در عصر ارتباطات و اطلاعات نظیر، فرهنگ گریزی نیست.

موضوع قدرت نرم به عنوان یک واژه در علم سیاست<sup>۳</sup>، به ویژه در حوزه منازعات بشری و از زمان قدیم مطرح بوده است. قدیمی‌ترین مدرک دربارهٔ قدرت نرم به دوران کنفوسیوس برمی‌گردد. در این راستا، با ظهور ادیان به ویژه اسلام و گسترش سریع آنها در جهان، نقش قدرت نرم برجسته‌تر و تبدیل به یک عامل سرنوشت ساز شد. تا آنجا که می‌توان گفت،

۱. Power

۲. Global Super power

۳. Politics

منظر طبقاتی قدرت را تحلیل کرده و برخی با توجه به آثار قدرت، آن را توضیح داده‌اند. بعضی از جامعه‌شناسان سیاسی نیز به بیان حدود و قیود قدرت اهتمام ورزیده و تفاوت‌های میان قدرت در جوامع ساده و پیچیده و قدرت در جوامع عام و خاص را مورد توجه قرار داده و به خصیصه نهادیافتگی قدرت اشاره کرده‌اند. از یک منظر کلی، سلطه انسان بر انسان، توانایی فرد یا گروه در کسب تسلیم و اطاعت دیگران و متزل رفتار دیگران از جمله معادل‌های مفهومی واژه قدرت می‌باشند.

مفهوم قدرت و قدرت ملی<sup>۱</sup> از دیرباز در نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل، ژئوپولیتیک و جغرافیای سیاسی مورد توجه بوده است. در این راستا، فردریک راتزل<sup>۲</sup> و رودلف کیلن<sup>۳</sup> به موضوع قدرت و رابطه آن با سیاست پرداختند. همچنین آلفرد تایر ماهران<sup>۴</sup>، هلفورد مکیندر<sup>۵</sup>، نیکولاس اسپایکمن<sup>۶</sup>، سورسکی<sup>۷</sup>، هانتینگتن<sup>۸</sup> و برخی اندیشمندان قدرت را برحسب قابلیت محاسبه آن به قدرت مرئی (سخت) و قدرت نامرئی (نرم) تقسیم بندی کرده‌اند (زرقانی، ۱۳۸۵: ۲).

از نظر کارشناسان قدرت را می‌توان از حیث نوع ابزار به کار گرفته شده، ماهیت و شاخص‌هایش، به دو نوع سخت و نرم تقسیم بندی کرد. برای مثال، پیتر تیلور<sup>۹</sup> و فلینت<sup>۱</sup> قدرت را «توانایی کسب پیروزی در

فرصت و منبع قدرت نرم محسوب شوند. ایران نیز از جمله کشورهایی است که از تمدن و ارزش‌های فرهنگی اصیلی برخوردار است. از این رو، مختصات قدرت نرم و استفاده از آن نیز می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران در راستای مقابله با تهدیدات نرم خارجی مهم باشد. با توجه به این موضوع، پژوهش حاضر در پی آن است تا نشان دهد با توجه به مؤلفه‌های قدرت نرم، چه ابزارها و راهکارهایی در قدرت نرم برای جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و تا چه اندازه می‌تواند در جلوگیری از تهدیدات خارجی مؤثر باشد.

از این رو مقاله حاضر، مفهوم قدرت و چهره‌های آن (سخت و نرم) را توضیح و ابعاد نظری آن را بیان نموده و از همین منظر به بررسی منابع و ابزارهای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران پردازد. در نهایت ضمن ذکر مؤلفه‌های قدرت نرم، ارائه راهکارها و فرصت‌های ایران در قبال آن بخش مهم دیگری از مقاله را تشکیل خواهد داد که به واری و ارزیابی آن خواهد پرداخت.

#### ۱- چهاچوب مفهومی قدرت

«قدرت» از مباحث محوری علم سیاست و مورد اندیشه و تأمل در متون و آثار سیاسی است. این امر، به دلیل اهمیت عینی و ملموس قدرت در دو عرصه سیاست داخلی و خارجی برای اجرای برنامه‌ها و خطی مشی‌ها و تحقق اهداف ملی است (جمالی، ۱۳۷۹: ۲۵۱). تا آنجا که ادعا بر این که قدرت از قابلیت‌هایی چون توانایی تضمین امنیت، تغییر رفتار دیگران و دفع تهدید برخوردار و در سطح ملی نیز این آثار در شکل گسترده‌ای قابل رؤیت است (مطالعات امنیتی، ۱۳۸۷: ۸). هر یک از علما و اندیشمندان از زاویه خاصی به مفهوم قدرت نگریسته‌اند؛ بعضی از

۱. National Power

۲. Frederick Ratzel

۳. Rudolph Kyn

۴. Tire Alfred Mahan

۵. Helfurd Mkindr

۶. Nicholas Spyskman

۷. Seversky

۸. Huntington

۹. taylor

یک منازعه چه به صورت کاربرد آشکار زور یا تهدید به زور، چه به صورت نهانی و از طریق عدم تصمیم‌گیری یا مزیت‌های ساختاری تعریف کرده‌اند (تیلور و فلینت، ۲۰۰۰: ۳۷۴). به عبارت دیگر، قدرت سخت متوجه ایجاد تبعیت از راه اعمال خشونت است که در آن تبعیت، ناشی از جباریت است، اما در مقابل، قدرت نرم مبتنی بر ایجاد تبعیت از راه نمایش حقانیت ناشی از جذابیت است.

## ۱-۲ قدرت سخت

قدرت سخت<sup>۱</sup> مفهومی آشنا در میان نظریه پردازان واقع‌گرا در روابط بین‌الملل است. قدرت سخت در تعاریفی که از سوی اندیشمندان ارائه شده است، به معنای دستیابی به ظرفیت‌ها و منابعی است که با آنها می‌توان در نتیجه و یا برون داد یک فرآیند نفوذ کرد. بنابراین کشور زمانی قوی است که دارای مؤلفه‌های زیر باشد:

- ۱- جمعیت بیشتر؛
- ۲- اراضی وسیع‌تر؛
- ۳- منابع طبیعی کلان‌تر؛
- ۴- استحکام اقتصادی؛
- ۵- نیروهای نظامی؛
- ۶- ثبات اجتماعی.

قدرت سخت را می‌توان از قدرت‌های غیر فرهنگی شده به حساب آورد، به این صورت که آن دسته از منابع قدرت را که خارج از اصول و هویت فرهنگی جامعه عمل می‌کنند، به عنوان قدرت سخت مورد ارزیابی قرار داد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۳۴۹-۳۶۸).

یک کشور از طریق قدرت سخت که دارای ساختار هرمی با منطق «بالا به پایین» است، این امکان را پیدا می‌کند که کشور دیگری را تطمیع و یا تهدید و یا مورد هجوم با ابزارهای سخت قرار دهد تا به منافع کشورش گردن نهد (تولایی، ۱۳۸۷: ۴۸). در واقع، مولفه‌های مادی همچون توانایی نظامی، تسلیحاتی و مالی باعث گسترش حوزه قدرت سخت می‌شود و به نوعی با توسل به زور، ارعاب و سرکوب مخالفان در جهت دستیابی به اهداف مادی از قدرت سخت استفاده می‌شود. برای مثال مورگنتا<sup>۲</sup> در کتاب «سیاست میان ملت‌ها» قدرت نظامی و سخت‌افزارانه را راهی برای توازن قوا می‌داند (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۶۳-۸۵).

ویژگی بارز آن تحلیل آن به «آمریت»<sup>۳</sup> است که مطابق آن، فرد موضوع قدرت، به اطاعت و داشته می‌شود. به همین خاطر است که امکان تولید و اعمال قدرت در صورتی متصور است که بین اعمال قدرت و محیط، تفکیک صورت گرفته باشد (رفیع و قربی، ۱۳۸۹: ۱۲۰). در واقع، قدرت سخت بر توانایی تغییر رفتار دیگران و یا تصمیمات و انتخاب‌های آنها بر مبنای تهدید یا پاداش استوار است. به بیان دیگر، هویج‌ها (پاداش‌های اقتصادی) و چماق‌ها (تهدیدهای نظامی) موضوع آن هستند و اجبار و نوازش دو عنصر کلی و مرکزی قدرت را تشکیل می‌دهند.

## ۱-۳ قدرت نرم

تحلیل قدرت به نیرو (ابزار و امکانات) بدون توجه به استعداد و توانایی فکری، ایدئولوژی مترقی، پابندی به اصول انسانی و دیپلماسی قدرتمند، نمی‌تواند به

۳. Morgenthau

۴. Directorate

۱. flint

۲. Hard power

موضوع مناسب و پایدار منجر شود (ایزدی، ۱۳۸۷: ۶۳). به عبارت دیگر قدرت سخت برای رسیدن به اهداف خویش نیازمند یک عامل پشتیبان و تکمیلی است و آن قدرت نرم<sup>۱</sup> است.

اگرچه واژه قدرت نرم، واژه‌ای جدید در ادبیات سیاسی محسوب می‌شود، ولی تأمل پیرامون بعد نرم قدرت سیاسی ریشه‌ای بس عمیق در سرزمین‌هایی با تاریخ باستانی دارد. چنانکه یکی از قدیمی‌ترین شواهد درباره وجود مفهوم و محتوی قدرت نرم به لائوتسه، فیلسوف چینی و بنیانگذار اخلاق عملی «تائو»، معاصر کنفوسیوس بر می‌گردد. نوشته‌های لائوتسه مشتمل بر توصیه‌های سیاسی به رهبران و خرد عملی برای مردم عادی بودند. وی در نوشته‌های خود ارزش‌های زنانه را تبلیغ می‌کرد و روی ویژگی‌های منفعل، استوار و ساکن و خاموش طبیعت تأکید داشت، که با ویژگی‌های فعال و پرنرژی در تضاد بودند. او همچنین از «داشتن بدون تعلق» دفاع می‌کرد و اعتقاد داشت در اندیشه تائو تنها ویژگی مفید ضعف است. از نظر او هرچه شخص پرتلاش‌تر باشد با مقاومت بیشتری رو به رو می‌شود و بر عکس، هرچه با طبیعت هماهنگی بیشتری داشته باشد، نتیجه بهتر و بیشتری می‌گیرد. از منظر کلی افتادگی بالاترین ارزش‌هاست (بولتز، ۱۹۹۳: ۲۶۹ و ۲۹۰).

یونانیان باستان نیز، حتی قبل از رواقیون، در زمینه قدرت نرم، از خود میراث گرانبهائی بر جای گذاشته‌اند. یونانیان، از پرایکلس سیاستمدار تا دموکریتوس، با مطرح کردن مفاهیمی اجتماعی نظیر قانون اساسی، دموکراسی، گستره عمومی سیاست و رحجان آن بر گستره خصوصی و... در عرصه قدرت

نرم گام‌های استواری برداشتند (داگلاس، ۱۹۶۳: ۹). در سرزمین‌های دیگر عهد باستان، از جمله ایران نیز می‌توان نشانه‌هایی از ایده قدرت نرم را به خوبی پیدا کرد. بسیاری از اشعار و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌های فارسی، مانند «با پنبه سر بریدن» وجود دارد که از گذشته‌های بسیار دور به ارث رسیده است که همگی اشاره به وجود ایده و مفهومی از قدرت در جامعه گذشته ایران داشتند که با ویژگی‌های قدرت نرم هم خوان بودند.

اگرچه مفهوم قدرت نرم را می‌توان در آثار هانس جی مورگنتا، کلوکس کنور<sup>۲</sup> و رای کلاین<sup>۳</sup> ردیابی کرد (گیل و هانگ، ۲۰۰۶: ۱۷ و ۳۶)، اما این مفهوم نخستین بار توسط جوزف نای<sup>۴</sup>، در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی در ادبیات سیاسی باب شد و در دو دهه اخیر این مفهوم جای خود را در میان ادبیات مهم و اساسی روابط بین‌الملل پیدا کرده است. وی کتاب «قدرت نرم» خود را با عبارتی تأمل برانگیز آغاز می‌کند: بیش از چهار قرن پیش، نیکولو ماکیاوولی به شاهزادگان ایتالیایی این گونه گفت: «اینکه مردم از شما بترسند، مهمتر است از این که شما را دوست داشته باشند»، اما در دنیای امروز بهتر است که به هر دو مورد توجه کنیم. غلبه یافتن بر قلب‌ها و افکار همواره مهم بوده، اما اهمیت آن در عصر اطلاعات دو چندان شده است (نای، ۱۳۸۷: ۳۷). وی این مفهوم را نخستین بار این گونه تعریف می‌کند «قدرت نرم توانایی کسب چیزی است که می‌خواهیم، از طریق جذب به جای اجبار عمل نماییم» (مرادی، ۱۳۸۹: ۱۰۳). به عبارت دیگر، این شیوه قدرت بر پایه اقناع کردن دیگران برای

۲. Klaus Knour

۳. Ruy Klein

۴. Joseph Nye

۱. soft power

پیروی یا موافقت با هنجارها و نهادهایی است که رفتار خواسته شده را تولید می‌کنند.

این قدرت معمولاً در مقابل قدرت نظامی و به عبارتی؛ قدرت سخت و خشن به کار می‌رود. بارزترین نمونه قدرت نرم در سطح خرد، تصویری است که ماکس وبر<sup>۱</sup> جامعه شناس شهیر آلمانی از نفوذ و اقتدار بلامنازع شخصیت‌های بزرگ و چهره‌های متنفذ به دست داده است (تولایی، ۱۳۸۷: ۴۹-۵۰). اگر یک رهبر بتواند ارزش‌هایی را تولید کند که دیگران خود مایل به پیروی از آنها باشند، اداره کردن آن گروه، هزینه‌های کمتری خواهد داشت.

اساس قدرت نرم در ارزش‌ها، فرهنگ، نحوه رفتار با هر کشور در سطح ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی و ایجاد حس مشروعیت برای اهداف بین‌المللی یک کشور نهاده شده است. در قدرت نرم، فعالان فرهنگی<sup>۲</sup> می‌توانند بر دیگر دولت‌ها به صورت فرامرزی اثر بگذارند. این تأثیر بر خلاف قدرت سخت، فقط مبتنی بر اقدام‌های دولتی و حکومتی نیست، بلکه شامل سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌ها و جنبش‌های استقلال طلب، آزادی بخش و... نیز می‌شود (کلی، ۲۰۰۲: ۸).

نای که نفوذ «غیر اجباری»<sup>۳</sup> را به صورت قدرت نرم مفهوم سازی کرد و عرصه بین‌الملل بعد از جنگ سرد را عرصه نشو و نماي آن دانست (نای، ۱۹۹۰: ۱۷۷ و ۱۷۹)، اعتقاد دارد این نوع از قدرت دارای ماهیتی اجتماعی شده بوده و لذا بدون توجه به مؤلفه‌های محیطی اصولاً نمی‌توان آن را درک و معنا

کرد. تصریح جوزف نای بر اینکه قدرت نرم شبکه به هم تنیده در روابط و مناسبات اجتماعی شکل گرفته و معنا می‌شود، دلالت بر همین ویژگی دارد. به زعم وی آنچه از ناحیه جذابیت و میل بازیگر پدید آمده و منشأ رفتار قرار می‌گیرد، گونه‌ای از قدرت به شمار می‌آید که مؤثرتر و مستمرتر از قدرت سخت است. با این معنا حتی نمی‌توان واژه نفوذ را واژه‌ای کامل برای انتقال معنای اجتماعی قدرت نرم تلقی کرد (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵). زیرا نفوذ می‌تواند از طریق قدرت سخت (تهدید یا پاداش) نیز ایجاد شود. قدرت نرم اغلب سبب مشارکت توأم با رضایت می‌شود. در یک کلام؛ قدرت نرم منابع و دارایی‌هایی است که تولید جذابیت می‌کنند.

### ۱-۳-۱- قدرت نرم و منابع کاربردی آن

قدرت نرم نیز مانند سایر اشکال قدرت، برآیندی از برخی منابع مختلف است. اهمیت شناخت و آگاهی از منابع، آن است که این منابع به میزان زیادی تعیین کننده ماهیت آن قدرت هستند.

جوزف نای در کتاب خود منابع قدرت نرم را در عوامل زیر می‌داند:

- ۱- ارزش‌های فرهنگی بازیگر یا بازیگران؛
- ۲- فرهنگ؛
- ۳- دیپلماسی عمومی؛
- ۴- خط مشی‌های سیاستمداران و نهادها؛
- ۵- سیاست خارجی (نای، ۲۰۰۴: ۹ و ۱۱)؛
- ۶- میزانی است که این درون‌دادها می‌توانند سایر بازیگران را جلب کرده و دفع نمایند.

عموماً رهبری سیاسی تا حدی به رقابت، جذابیت، مشروعیت و اعتبار تبدیل می‌شود و توانایی مشارکت

۱. Max Weber

۲. Cultural activists

۳. Non-compulsory

- در اطلاعات و اقتناع دیگران نسبت به اهداف خود به منبع مهمی برای جذابیت و قدرت مبدل می‌گردد. این موضوع در عصر جهانی<sup>۱</sup> و ارتباطات مبین این قضیه است که کشورهایی می‌توانند در بکارگیری منابع قدرت نرم موفق باشند که مجاری ارتباطی متعددی که در شکل دادن به موضوعات کمک می‌کند، رسوم و ارزش‌های فرهنگی که به هنجارهای برتر جهانی نزدیک باشد و اعتباری که به واسطه این ارزش‌ها و سیاست‌ها از طریق دیپلماسی و نوع عملکرد سیاست مداران در عرصه داخلی و خارجی موجبات اقتناع دیگران را فراهم آورد، در اختیار داشته باشد. از این رو، برای اینکه قدرت به خوبی اعمال شود، باید منابع قدرت به رفتار تبدیل شوند. گاهی اوقات برخی از دولت‌ها دارای منابع قدرت بسیار مناسبی هستند، اما با آنها به نتایج مهم و دلخواه خود نمی‌رسند و علت این امر آن است که نتوانسته‌اند آن منابع را به رفتار تبدیل کنند.
- کنترل منابع قدرت نرم دشوار است. بسیاری از منابع مهم آن خارج از کنترل دولت‌ها قرار دارند و آثار آنها شدیداً متکی به پذیرفته شدن از سوی مخاطبان است. به علاوه منابع قدرت نرم اغلب به صورت غیر مستقیم با شکل دادن به محیط، برای اعمال سیاست عمل می‌کنند و گاه سال‌ها طول می‌کشد تا نتایج مطلوب را پدید آورند.
- ۲-۳-۱ شاخص‌های قدرت نرم  
ساندرس و میچل مهمترین اهداف تهدیدات و قدرت نرم را به شرح زیر بر شمرده‌اند:
- ۱- تغییر ایدئولوژی حاکم؛  
۲- کاهش مشارکت سیاسی مردم با القای
- ناکارآمدی حکومت؛  
۳- تغییر هویت دینی و ملی شهروندان با تخریب پیشینه تاریخی آنان؛  
۴- دستکار افکار عمومی در جهت خواسته‌های خود و علیه نظام حاکم؛  
۵- تغییر انسجام سیاسی حاکم؛  
۶- تغییر ارزش‌های جامعه و ایجاد استحاله فرهنگی؛  
۷- ایجاد فرهنگ جدید و تغییر الگوی سیاسی حاکم؛  
۸- تشدید و تقویت واقع‌گرایی قومی (الیاسی، ۱۳۸۹: ۵۰).
- موضوع قدرت نرم توسط راهبرد شناسان آمریکایی به گونه‌ای مطرح شد که بتوانند حوزه‌های مختلف قدرت سخت و نرم را با یکدیگر ترکیب کنند و از سوی، به جای مقابله با تهدیدهای جاری، درصد کنترل و رویارویی با تهدیدهای آینده برآیند.
- شبرای قدرت نرم، شاخص‌ها و مؤلفه‌های مختلفی قائل شده‌اند که می‌توان مهمترین شاخص‌های قدرت نرم در چارچوب اهداف راهبردی را به شرح ذیل تقسیم بندی کرد:
- الف- همراه سازی نهادهای بین‌المللی با عملکردهای تهاجمی:  
برخلاف گذشته که فقط دولت‌ها بازیگر صحنه روابط بین‌المللی بودند، امروزه نهادها و سازمان‌های غیر دولتی نیز یکی از عناصر تاثیرگذار بر صحنه بین‌المللی هستند. هرچه سیاست‌ها متنوع‌تر باشد، این امر منجر به وابستگی به نهادها، نیروهای غیردولتی و جنبش‌های مستقل می‌شود که باید از آنها به درستی بهره‌گیری کرد (وات، ۲۰۰۵: ۱۱۸).

ب- منفعت طلبی

<sup>۱</sup>. Global Age

بنا به اعتقاد هانتینگتن، آنچه در مرکز حرکت غرب قرار دارد، سودجویی<sup>۱</sup> و منفعت طلبی<sup>۲</sup> است. براین اساس، غرب تلاش دارد تا ضمن حفظ موقعیت خویش از منافع خود که از آن به‌عنوان منافع جهانی یاد می‌کند، حفاظت نماید. این مهم با توجه به اینکه هدف قدرت نرم رسیدن به اهداف سیاست‌هاست، از شاخص‌های مهم جنگ نرم محسوب می‌شود (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۲۹۲-۲۹۳).

### ج- نفی قواعد سلطه

این مؤلفه نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و امکان‌پذیری رفتار مبتنی بر مقاومت در قبال تحریم اقتصادی جهت پیشرفت دارد که در قالب خوداتکایی متجلی می‌شود. بر اساس این حس خوداتکایی، رهبران دولت ایران و مردم این کشور دستیابی به چرخه سوخت هسته‌ای را به عنوان بخشی از اعتماد به نفس خود تلقی می‌کنند که نباید بر سر آن سازش کرد.

ایالات متحده آمریکا و کشورهایی که خواهان بکارگیری از قدرت نرم و پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های لازم برای مقابله با تهدیدهای بیرونی هستند، خواستار آن هستند تا به مطلوبیت‌های درون‌ساختاری نایل شوند که عده‌ای از این موضوع با عنوان انقلاب آزادی یاد کردند «کشورهایی که بتوانند از قابلیت لازم برای نفی قواعد سلطه برخوردار شوند، به آزادی عمل لازم در برابر محدودیت‌های بین‌المللی نایل می‌شوند» (رمضانی، ۱۳۸۰: ۳۳).

### ت- سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی<sup>۳</sup> عنصری است که در روابط نظام سیاسی با مردم یک کشور به‌واسطه مؤلفه‌هایی از قبیل اعتماد، باور، اعتبار و همدلی اشاره دارد که به روان‌سازی امور و افزایش کارآمدی منجر می‌شود. بدین‌سان، می‌توان سرمایه اجتماعی را نوعی انباشت سرمایه و شبکه‌هایی معرفی کرد که همبستگی اجتماعی، تعهد اجتماعی و در نتیجه نوعی عزت نفس را در افراد به وجود آورد (لینچ و کاپلان، ۱۹۹۷: ۳۰۷).

شاخص‌های قدرت نرم با توجه به ویژگی‌های ارائه شده برای دستیابی به اهداف کوتاه مدت و بلند مدت توسط کشورها می‌تواند جنبه کاربردی پیدا کند.

### ایران و قدرت نرم

بنابر آنچه گفته شد، با توجه به تحولات جهان امروز، قدرت نظامی، عاملی اصلی برای تثبیت قدرت و تداوم آن محسوب نمی‌شود، بلکه گزاره‌هایی چون دموکراسی و آزادی، انگاره‌های فرهنگی به عنوان اهداف جذاب، تصویری رویایی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و این رویکرد نشانه اهمیت یافتن قدرت نرم- توانایی اقناع- است و ما به عنوان مطالعه موردی، وضعیت قدرت نرم و بهره‌گیری از آن را در جمهوری اسلامی ایران مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

در ایران، سرچشمه عمده قدرت نرم، از ایمان به جمهوری اسلامی و ارزش‌های مسلط در جامعه نشأت می‌گیرد. در این راستا، می‌توان در توسعه قدرت نرم از بزرگترین انقلابی که در قرن بیستم با تکیه بر استراتژی فرهنگی یا به عبارت دیگر قدرت نرم رخ داد، یعنی انقلاب اسلامی یاد کرد. ماروین زونیس،

۱. Jobbery

۲. Profit-seeking

۳. Social Capital



شکل از قدرت، سه محور را مورد اشاره قرار می‌دهد: ۱- فرهنگ<sup>۱</sup> (زمانی که در نگاه دیگران جذابیت داشته باشد)؛ ۲- ارزش‌ها<sup>۲</sup> (هنگامی که هیچ‌گونه ریایی در اجرای آنان به کار برده نشود)؛ ۳- سیاست خارجی<sup>۳</sup> (وقتی در چشم ناظران دارای مشروعیت باشد) (نای، ۱۳۸۷: ۵۷). این سه وجه با توجه به مختصات تاریخی، فرهنگی و ایدئولوژیک یک کشوری می‌تواند تغییراتی را شامل شود. بنابراین، به عنوان مثال در یک نگاه کلی می‌توان از منابع و ابزارهای زیر، به عنوان منابع قدرت نرم با نشانگاه جمهوری اسلامی ایران نام برد: ۱) مشروعیت سیاسی که خود شامل محورهایی همچون کارآمدی، مقبولیت و اعتماد ملی است. ۲) ارزش‌های فرهنگی و ایدئولوژیک که چارچوبه‌هایی همچون تمدن کهن، تولید علم و هنر و همچنین ایدئولوژی تشیع را دربر می‌گیرد. ۳) اعتبار و حسن شهرت که عمدتاً به وجهه و تصویر نظام در عرصه روابط بین‌الملل ارتباط می‌یابد. ۴) انسجام سیاسی - اجتماعی که حول دو محور وحدت و وفاق ملی و همچنین اعتماد به نفس ملی قابل بررسی و تحلیل است (بلیک و گلشن پژوه، ۱۳۸۹: ۱۲۸). همچنین، تاریخ هر کشور نقشی مهمی در هویت ملی هر ملت دارد. تا آنجا که ریشه‌های هویت یک ملت را می‌توان در تاریخ آن جستجو کرد. این موضوع باعث می‌شود که همه اجزای فرهنگی یک ملت بر اساس آن وحدت می‌یابند. بر این اساس، هویت انقلابی - اسلامی نظام جمهوری اسلامی ایران علاوه بر آنکه در برداشت این نظام از خود بسیار مؤثر است، می‌تواند پشتوانه اساسی ملت ایران بوده و سرگذشت مشترکی را برای همه

رئیس انستیتو خاور نزدیک در دانشگاه شیکاگو اعتقاد دارد: «پیام ایران، چه موقعی که عجیب و شگفت به نظر می‌آید و چه بعدها که از زیاد شنیدن، عادی و روزمره جلوه کند، به نظر من قوی‌ترین و نافذترین جهان‌بینی سیاسی است که ما در قرن بیستم، از انقلاب روسیه به این طرف، با آن مواجه گشته‌ایم. اگر انقلاب روسیه را دنباله حوادث قرن ۱۹ و متعلق به آن قرن بدانیم، می‌توانیم ادعا کنیم که در قرن ما یک انقلاب اتفاق افتاده است و آن هم همین انقلاب ایران است. این پیام پرقدرت، زمانی طولانی باقی خواهد بود و فرقی نمی‌کند اگر آیت‌الله خمینی هم در قید حیات نباشد» (رایت، ۱۳۷۳: ۲۱)

بدون تردید، منابع قدرت نرم در ایران اسلامی فراوان و قابل بهره‌برداری است که از مهمترین آنها می‌توان ارزش‌های دینی، قدرت سیاسی و دیپلماسی، مردم و انسجام و همبستگی آنها را محور قرار داد. این موضوع از آن جهت دارای اهمیت است که شرایط برای اعمال قدرت نرم طی سال‌های اخیر دچار تحولات چشمگیری شده است. انقلاب اطلاعات و جهانی شدن در حال تغییر دادن و کوچک کردن جهان هستند. در آغاز قرن بیست و یکم، این دو وجه اگرچه موجب تقویت قدرت آمریکا شده‌اند، اما به مرور زمان فن‌آوری‌ها به کشورهای دیگر نیز خواهد رسید و برتری نسبی آمریکا را با رکود مواجه خواهد کرد. به بیان دیگر، قدرت نرم فقط ابزار غرب نیست، بلکه سلاحی پایدار و مناسب برای رقیبان غرب نیز است (تاورنر، ۲۰۱۰: ۱۳۸). موضوعی که می‌تواند مورد توجه جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های بکارگیری قدرت نرم قرار گیرد.

از این منظر، جوزف نای به عنوان برجسته‌ترین نظریه پرداز در موضوع قدرت نرم، در مورد منابع این

<sup>۱</sup>. Culture

<sup>۲</sup>. Values

<sup>۳</sup>. Foreign Policy

ایرانیان ایجاد می‌کند که به نوبه خود موجب نوعی قدرت نرم افزاری است. به عبارت دیگر، قدرت نرم ایران در اسلام، فرهنگ، تاریخ، تمدن، زبان فارسی، ارزش‌های مردم سالانه، مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم و مواردی از این دست ریشه دارد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران جدای از توان مقابله با تهدیدات نرم آمریکا، از این قابلیت برخوردار است که به عنوان تهدیدی نرم علیه آمریکا مطرح گردد. اساساً ماهیت انقلاب اسلامی ویژگی‌های منحصر به فردی از جنبه‌های نرم افزاری را داراست که باعث کارایی هرچه بیشتر آن در برابر تهدیداتی از این دست می‌گردد. البته باید گفت حفظ و افزایش قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، نیازمند شناخت و به کار بستن منابع نرم افزاری قدرت خود در سایر کشورها و جوامع با توجه به زمینه‌های فرهنگی و عقیدتی، سیاسی و اجتماعی هر یک از کشورهای هدف است.

قدرت نرم: ابزار آمریکا در مواجهه با ایران

در دنیای امروز، همانطور که ناگفته پیداست، بینش ژئوپولیتیک حکومت آمریکا بر این امر استوار است که عامل کلیدی امنیت ملی آمریکا، سلطه جهانی و برتری کامل بر هرگونه رقیب بالقوه است. در واقع ایالات متحده برای رسیدن به این هدف نه تنها از طریق ابزار نظامی (قدرت سخت) به اعمال قدرت در هر نقطه از جهان و کنترل منابع کلیدی ثروت در جهان می‌پردازد، بلکه به کمک اندیشمندان وابسته خود درصدد موجه جلوه دادن نقش رهبری خود در جهان به صورت منطقی، علمی و آکادمیک (یکی از ابعاد قدرت نرم) است و آن را امری خیرخواهانه (؟) برای جامعه جهانی قلمداد می‌کند.

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۹)

سلطه آمریکا بر ایران پایان یافت و دوره جدیدی در روابط این کشور با ایران آغاز شد. استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل از آن سال همواره به صورت کاملاً خصمانه با ایران برخورد کرده‌اند، که منجر مشترک تمام سیاست‌های سلطه طلبانه آنان، استحاله انقلاب اسلامی و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این راستا، در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب تلاش کردند تا از طریق دامن زدن به مسائل قومی و اختلافات مذهبی، ایران را تجزیه کرده و به یک کشور کوچک و فاقد نفوذ منطقه‌ای تبدیل کنند. از بهار سال ۱۳۵۹ آنها سیاست تجاوز نظامی را در پیش گرفتند که ابتدا تجاوز نظامی طبرستان و کودتای نوژه و سپس تحمیل یک جنگ هشت ساله بود که همگی به شکست انجامید.

آمریکا سپس از اوایل دهه شصت تاکنون، با طراحی و سازماندهی استراتژی جنگ نرم و فروپاشی، تصمیم به تغییر از درون گرفتند تا بدین ترتیب توان ملی ایران و موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک آن را تضعیف کرده و ایران را در صحنه بین‌المللی منزوی سازند. در این استراتژی، آنها با سازماندهی تهاجم فرهنگی، سیاسی، روانی و تبلیغاتی و تطهیر خود در افکار عمومی ملت ایران به ویژه در نسل جوان، حمله به مبانی اعتقادی و ارزش‌های اسلامی و ملی را در دستور کار خود دارند و با القای ناکارآمدی نظام، کلیه دستاوردهای مثبت گذشته را به صورت اغراق آمیزی نفی می‌کنند که اوج آن به انتخابات سال ۱۳۸۸ بر می‌گردد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، همچنین با پیشرفت‌های ایران در زمینه‌های مختلف علمی به‌ویژه انرژی هسته‌ای و نقش

نفوذ در افکار عمومی ابزار توانمند و موثری به شمار می‌روند، تلاش نخبگان آمریکایی برای تأثیرگذاری بر آنها بسیار جدی و در خور توجه است. این تلاش‌ها، طیف وسیعی از مدیریت روزانه رسانه‌ها از قبیل خبرگزاری و مطبوعات، تلویزیون ماهواره‌ای و رادیوهای بین‌المللی را شامل می‌شود. در این زمینه، حتی رادیو علی‌رغم پیشرفت‌های چشم‌گیر در تکنولوژی ارتباطی، هنوز به‌عنوان یک رسانه مهم مورد استفاده کشورها به خصوص قدرت‌های جهانی قرار می‌گیرد. برای مثال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۰۵ میلادی بیش از ۳۲ شبکه رادیویی به زبان فارسی برای ایرانیان و سایر فارسی‌زبانان جهان که برخی آمارها، آن را بیش از ۱۵۰ میلیون نفر تخمین زده‌اند، علیه جمهوری اسلامی ایران برنامه پخش می‌کنند که مهمترین آنها عبارتند از: رادیو فردا، رادیو صدای ایران و... (عبداله، ۱۳۸۹: ۱۴۲-۱۳۷).

هرچند در موارد متعددی به صورت محدود درگیری‌های نظامی محدودی بین دو کشور نیز به وقوع پیوسته ولی در یک نگاه کلی می‌توان رویکرد براندازی نرم را اصلی‌ترین سیاست آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در شرایط فعلی دانست.

### راهکارها و فرصت‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال قدرت نرم

#### مصادیق و مؤلفه‌های راهبردی قدرت نرم

ظرفیت‌های بالقوه هر کشوری در جهت دستیابی به قدرت نرم، ناشی از عناصری در حیطه توانایی و دسترسی آن کشور است، جمهوری اسلامی ایران نیز دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای است که طی چند سال اخیر بخشی از آن به طور بالفعل نمایان گردیده و نتیجه آن

تعیین‌کننده و تأثیرگذار آن در معادلات بین‌المللی و ناتوانی آمریکا برای یورش نظامی به‌واسطه در اختیار داشتن ایران از ویژگی‌ها و ظرفیت‌هایی چون وسعت سرزمینی، کمیت جمعیتی، کیفیت نیروی انسانی، امکانات نظامی و موقعیت ژئوپولیتیکی که به آن قدرت کم نظیر بخشیده است، باعث شده است تا آمریکا چاره‌ای جز شدت بخشیدن به عملیات روانی خود علیه ایران پیدا نکند. با این تفاسیر، باید گفت جنگ نرم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران که از فردای پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد، از یک سو بدلیل ناکام بودن در اعمال نظام تک‌قطبی از طریق سیاسی و اقتصادی و از سوی دیگر به‌واسطه رشد و پیشرفت و توسعه پایدار ایران و حرکت به سمت یک کشور قدرتمند و به خصوص نقش تعیین‌کننده آن در عرصه روابط بین‌الملل، شدت روزافزونی پیدا کرد. تا آنجا که مطالعه دقیق‌ترین امنیت ملی آمریکا به عنوان سندی معتبر و اجرایی در سطوح عالی آمریکا، مبین راهکار آمریکا در برخوردهای نرم افزاری با کشور قدرتمند جمهوری اسلامی ایران است که نشان‌دهنده عدم توانایی مقابله آمریکا با ایران و تلاش برای تضعیف ایران از طریق تهدیدات نرم است (حجازی، ۱۳۸۷: ۱۷-۱۸).

بنابراین استدلال می‌شود، پیگیری جنگ یا قدرت نرم با استفاده از سه تاکتیک «دکترین مهار»، «نبرد رسانه‌ای» و «ساماندهی نافرمانی مدنی» که به پروژه دلنا معروف است (ماه‌پیشینیان، ۱۳۹۰: ۲۴۲-۲۶۰)، در دستور کار آمریکا علیه ایران و دیگر کشورهایی که تهدیدکننده منافع آمریکا قلمداد می‌شوند، قرار گرفته باشد. در این راستا، می‌توان گفت اکثر سیاست‌های نرم آمریکا علیه ایران به واسطه رسانه‌ها و جنگ رسانه‌ای صورت می‌گیرد. با توجه به اینکه رسانه‌ها برای

پرس تی وی است و تا کنون همکاری‌های دو جانبه دانشگاهی با کشورهای مختلف جهان و خاورمیانه برقرار کرده است؛

۶- از دیگر مؤلفه‌های بالفعل قدرت نرم ایران در منطقه خاورمیانه را می‌توان به حضور بیش از یک میلیون و دویست هزار مهاجر ایرانی در کشورهای خاورمیانه و دویست هزار مهاجر عراقی در ایران اشاره داشت، همچنین به طور میانگین هر ساله دویست و پنجاه هزار گردشگر از چهارده کشور خاورمیانه، ایران را به عنوان مقصد گردشگری خود انتخاب می‌کنند (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۱۸۵-۱۸۳)؛

۷- وجود یک رابطه مبتنی بر اعتماد متقابل میان دولت و مردم؛

۸- وجود هنرها و صنایع دستی ناب ایرانی؛

۹- آئین‌ها و رسم و رسومات باستانی؛

۱۰- انگیزه تلاش و تقاضا برای رسیدن به اخلاق، معنویت، عدالت و آزادی بهره‌گیری از ظرفیت‌های عظیم کشور در حوزه هنر، فرهنگ، علم و معنویت و در نهایت ارزش‌دهی به علم و تحصیل‌کنندگان آن؛

۱۱- عدم اتخاذ سیاست‌های یک‌جانبه و پرهیز از سیاست‌های یکجانبه در عرصه بین‌الملل.

#### پیشنهادها و راهکارها

با توجه به اهمیت و تأکیدی که به موضوع قدرت نرم در جهان می‌شود، هر کشوری که بتواند سطحی مناسب از این ابعاد را در اختیار داشته باشد، به نحو مطلوبی می‌تواند در برابر تهدیداتی از جنس نرم نه تنها مقاومت کرده، بلکه می‌تواند علاوه بر آن به بازتولید قدرت و به ویژه از جنس نرم آن بپردازد. از این رو، به نظر می‌رسد شرایط خاص جمهوری اسلامی ایران با

افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و کاهش نفوذ و همراهی جهانی با اهداف آمریکا بوده است. به ویژه آنکه طی چند سال اخیر، شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی به نحوی رقم خورد که برتری جمهوری اسلامی در مقابل توان و سازوکارهای سخت افزاری و نرم افزاری آمریکا را به رخ می‌کشد. موضوعی که به دفعات توسط مقامات و مؤسسات آمریکایی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته و به این مسئله اعتراف گردیده است (حجازی، ۱۳۸۷: ۱۶-۲۴). در این راستا، منطقه خاورمیانه از جمله مناطقی است که ایران از ظرفیت و پتانسیل کافی برای پیشبرد اهداف خود از طریق قدرت نرم برخوردار است. از این رو، مؤلفه‌های راهبردی قدرت نرم ایران را در یک نگاه کلی به‌ویژه در منطقه را می‌توان به این شرح برشمرد:

۱- ایران یک کشور بزرگ، پرجمعیت و تاثیرگذار اسلامی است؛

۲- منطقه خاورمیانه بیشترین قرابت مذهبی را با ایران دارد؛

۳- زبان فارسی به عنوان هویت ایرانی هویتی بسیار فراتر از فلات ایران دارد؛

۴- ایران با سیزده کشور خاورمیانه‌ای به تبادل سفیر پرداخته است؛

۵- وجود ظرفیت گسترده همکاری‌های علمی فرهنگی با کشورهای منطقه؛ اهمیت این موضوع تا آنجاست که ایران دارای یازده نمایندگی فرهنگی در منطقه خاورمیانه است و در جمهوری اسلامی ایران شش رونامه به زبان‌های انگلیسی و عربی انتشار می‌یابد، مانند الوفاق و کیهان عربی. همچنین سیمای جمهوری اسلامی ایران در بعد برون مرزی دارای پنج شبکه جهانی جام جم ۱-۲-۳، العالم، سحر، الکوثر و

توجه به موانع، محدودیت‌ها و مخالفت‌هایی که وجود دارد، بهره‌گیری از روش‌های مبتنی بر قدرت نرم می‌تواند راهگشا باشد که از جمله این روش‌ها در ایران می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- ظرفیت در دست گرفتن ابتکار عمل در حوزه جنگ رسانه‌ای از طریق ارسال تولیدات داخلی در حوزه‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع به زبان‌های زنده دنیا برای آشنایی تمام مردم جهان، الگوبرداری از جهت‌گیری‌های موفق کشورهای دیگر، بومی‌سازی در کشور و در نهایت بکارگیری آنها؛

- روحیه شهادت‌طلبی، تقیه، انتظار و مهدویت؛  
- استفاده از بعضی از وضعیت‌های موجود در جامعه مانند روحیه قیام به قسط و عدالت اجتماعی و عدالت‌گستری در عرصه‌های فرهنگی و هنری، که می‌توان به افزایش قدرت نرم با توجه به رشد پایگاه‌های اجتماعی کمک کرد؛

- تلاش برای حداکثر سازی خودکفایی و حمایت از تولیدات داخلی، به‌ویژه برای مقابله با تحریم‌ها؛  
- الگو پروری با توجه به نقش‌ها و اصالت‌های تاریخی؛

- برخورد دوستانه و عالمانه با جوانان و شنیده شدن خواسته‌ها و کفایت‌های آنان از زبان مجریان رسمی کشور؛  
- حضور در مجامع بین‌المللی؛

- استفاده منطقی از قابلیت‌ها و توانایی‌های اعضای جنبش عدم تعهد. اهمیت این موضوع با توجه به ریاست ایران در اجلاس غیر متعدها، توانایی ایران را برای تعقیب سیاست‌های خود از جمله عدالت اجتماعی، صلح جهانی، احترام به تنوع فرهنگی و مذهبی در جهان، خلع سلاح جهانی، اصلاح ساختار شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل، مبارزه با یکجانبه‌گرایی، اشکال‌گوناگون تروریست و حمایت از مردم مظلوم فلسطین تا سالیان طولانی برآورده

خواهد کرد و می‌تواند سرمشقی برای کشورهای مختلف باشد. این موضوع رامی‌توان با به کارگیری نخبگان و ظرفیت‌های داخلی و کشورهای همسو در جنبش عدم تعهد اهداف مشترک را با قدرت بیشتری پیگیری کرد که البته این نیازمند یک مدیریت و تصمیم‌گیری جدی و قوی در داخل است دستاوردی که می‌توان آن را تجلی قدرت نرم جمهوری اسلامی دانست؛

- افزایش میزان تبادل فرهنگی میان بخش‌های دولتی و غیردولتی در جهت افزایش تحرک فرهنگی - اجتماعی و اعتلای روحیه تحقیق و ابتکار و ارتقای دانش و آگاهی عمومی بر اساس مبادله و مرابطه فرهنگی میان نهادهای دولتی و غیردولتی؛

- ثبات و ارتقای وحدت ملی، تا آنجا که اگر پایه‌های وحدت ملی محکم باشد، مردم اختلافات جزئی داخلی را کنار می‌گذارند و یکپارچگی خود را آشکار می‌کنند (روشندل، ۱۳۸۷: ۸۰). با توجه به اینکه یکی از راه‌های تقویت وحدت ملی، عدم مقایسه و اختلاف‌افکنی میان اقوام و مذاهب مختلف است، تاریخ پرفراز و نشیب ایران زمین بیانگر این موضوع

خواسته‌ها و کفایت‌های آنان از زبان مجریان رسمی کشور؛  
- حضور در مجامع بین‌المللی؛

که ایران مدت‌های مدیدی درگیر نزاع‌ها و خصومت‌های قومی و قبیله‌ای و داخلی بوده است. بنابراین برای سیاستمداران و حاکمان ایران ضروری است که ضمن توجه و تقویت فرهنگ و تمدن خود، در برطرف کردن اختلافات مختلف سیاسی حزبی، قومی قبیله‌ای و مذهبی اهتمام ورزند و به پررنگ کردن مشترکات فرهنگی و منافع ملی توجه جدی نمایند؛

به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران توانسته است تا حدی در این زمینه موفق باشد. مصداق این

موضوع، حمایت‌های بی‌شائبه مردم ایران در تمام نقاط کشور از نظام و سیاست‌های آن به‌ویژه در ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران علیرغم تحریم‌های دشمن است. - تلاش در جهت گسترش اسلام و ساختن یک حکومت اسلامی. بنابراین، یکی از مهمترین وظایف یک دولت اسلامی از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران آن است که در جهت وحدت مسلمانان، تمامی بشر را به شناخت و تبعیت از اسلام و دستورات دین اسلام دعوت کرده و با توجه به ضعف‌ها و ناکارآمدی فرهنگ مادی غرب، به توانمندسازی دوباره امت اسلامی و تمام مردمان جهان پردازد؛

- رصد و شناسایی فعالیت دشمن و تبیین موقعیت نیروهای طرفین در جبهه جنگ نرم با نظام سلطه به منظور درک صحیح از فضای جنگ و فعالیت‌های دشمن و نقاط ضعف و قوت او و نقاط تمرکز دشمن در بمباران فکری و تبلیغاتی جهت کنش و واکنش آگاهانه. در این رابطه مقام معظم رهبری می‌فرماید: «... باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسایی کنید؛ هدف‌های دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاه‌های دشمن - آنچنانی که خود او نداند - سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان را بکنید و در این طراحی کلان حرکت کنید» (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۲۸-۲۲۹)؛

بدیهی است، به همان میزان که موفقیت جمهوری اسلامی در اجرا و تحقق بندهای فوق‌الذکر می‌تواند موجبات تحقق هدف الهام بخشی نظام ایران اسلامی برای محیط بین‌المللی و کشورهای جهان اسلام را فراهم کند، بی‌توجهی و تعلل در هر یک از آن‌ها نیز سبب پشیمانی و تخریب طولانی وجهه نظام گردد. به ویژه آنکه، این تحرک مستلزم پیشگیری از آنها و

مشکلات داخلی نیز هست.

از منظر دیگر، با توجه به سابقه اصیل ایران به عنوان یک کشور اسلامی در حوزه‌های تمدنی خود، همچنین حمایت از مردم مظلوم فلسطین و به طور کل، رویکرد ظلم ستیزانه و عدالت محور نسبت به ساکنان جهان اسلام، به‌ویژه مسلمانان خاورمیانه با توجه به تحولات پیش‌آمده در این منطقه از جمله بیداری اسلامی، تزلزل رژیم‌ها و مصمم بودن مردم مسلمان این منطقه جهت تبیین تقاضاها و خواسته‌های مشروع خود، نیز از جمله منابع قدرت نرم و همچنین دفع‌کننده توطئه‌ها و تهدیدات نرم نظام خواهد بود. به نظر می‌رسد، ایران تا حدودی با توجه به شرایط ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک توانسته است، کشورهای مختلف جهان را نسبت به مقاصد صلح‌آمیز و عدالت طلبانه خود، علیرغم تبلیغات سوء دشمن، همراه کند. گواه این مدعا، به میزان اثر بخش بودن قدرت نرم ایران در مقابل آمریکا در خاورمیانه با توجه به معیارهایی از قبیل میزان محبوبیت، میزان اعتماد به رؤسای جمهوری ایران و آمریکا، میزان ابراز نگرانی مردم خاورمیانه از ایران و آمریکا به عنوان یک تهدید، برمی‌گردد (هرسیچ و توسیرکانی، ۱۳۸۸: ۱۸۶-۱۹۴)

واقعیت آن است که اگرچه جمهوری اسلامی ایران از حیث قدرت سخت موقعیتی نازل دارد. اما شواهد عینی چنین نشان می‌دهد که موقعیت معنوی و فرهنگی و به اصطلاح قدرت نرم این کشور تدریجاً رو به فزونی نهاده و در حال تبدیل شدن به یک قطب فرهنگی مؤثر در منطقه و جهان است.

#### نتیجه‌گیری

قدرت نرم همواره یک عنصر کلیدی رهبری بوده

کار مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد تا از این طریق، چهره واقعی نظام که حول محور عدالت طلبی، دفاع از مظلومان جهان و غیره می‌چرخد، به تمام جهان شناسانده شود و به تبع آن در مقابل جنگ نرم دشمن ایستادگی به عمل آید.

قدرت نرم یا جنگ نرم فعلی برای پیشبرد اهداف خود نیازمند ابزاری است که با عقلانیت ابزاری به دست می‌آید. بهره‌گیری از جنگ‌های روانی در بعدی قرار دارد که به نوعی، به تغییر ذهنیت و سوق دادن اشخاص مورد نظر به سیاست‌های خود توجه دارد. جنگ رسانه‌ای و رایانه‌ای دو مؤلفه اصلی و مهم در قدرت محسوب می‌شوند که با استفاده صحیح از آنها می‌توان به نتیجه مطلوب خویش دست یافت. البته باید توجه داشت که کاربرد این ابزارها زمان بر است، لذا باید توازن و تعادل را میان آنها برقرار کرد تا نتیجه مطلوب حاصل شود.

باتوجه به فرصت‌ها و راهکارهای ایران، می‌توان به این واقعیت پی برد که ظرفیت و توان تأثیرگذاری آرایه‌های متفاوت و متعدد تمدن ایران بر قدرت نرم کنونی نظام جمهوری اسلامی، چیزی فراتر از حد تصور است. در دنیای کنونی، به دلیل رشد سریع ابزارهای ارتباطی و پیشرفت لحظه به لحظه فناوری‌های مختلف، هرچند فواصل انسان‌ها با یکدیگر کمتر شده و بیان می‌شود که جهانی شدن فرهنگ‌ها در حال رخ دادن است و انسان‌ها در نهایت دارای یک فرهنگ خواهند بود؛ اما به نظر می‌رسد به موازات همین روند، تحرک دیگری نیز در حال بالندگی است و آن شناخت بهتر و عمیق‌تر زیبایی‌های فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف و ارائه بی‌واسطه آن در انظار افکار عمومی جهانیان است. اکنون راه شناخت تمدن‌های کهن و خصوصاً مقایسه

است. قدرت جذب کردن- واداشتن دیگران به خواستن آنچه شما می‌خواهید، چارچوب‌بندی موضوعات و تعیین دستور کار- ریشه در هزاران سال تجربه بشر دارد. رهبران ماهر همواره دریافته‌اند که ریشه جذابت در مشروعیت و باورپذیری است. قدرت هرگز فقط از لوله تفنگ سرچشمه نگرفته است؛ حتی خشن‌ترین دیکتاتورها علاوه بر ترس، به جذابت هم متکی بوده‌اند.

با گذار از عصر سنتی و گسترش فن‌آوری‌ها و اطلاعات بشری، ابزارهای کاربردی آنها هم با تغییراتی مواجه شد که از جمله آنها می‌توان به سلاح‌های نظامی اشاره کرد. در گذشته در جنگ‌ها از این سلاح‌ها که به قدرت برهنه مشهور هستند، استفاده می‌شد؛ اما هر چه به دهه‌های اخیر نزدیک‌تر می‌شویم، از کاربرد آنها کاسته و قدرت نرم جایگزین آنها شده است. با توجه به تحولات جهان امروز، قدرت نظامی، عاملی اصلی برای تثبیت قدرت و تداوم آن محسوب نمی‌شود، بلکه گزاره‌هایی چون دموکراسی و آزادی به عنوان اهداف جذاب، تصویری رویایی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند و این رویکرد نشانه اهمیت یافتن قدرت نرم- توانایی اقناع- است. پس باید اذعان کرد که هر چه به عصر جدید نزدیک‌تر می‌شویم، از ابعاد سخت افزاری قدرت و جنگ کاسته و بر بعد نرم‌افزاری آنها افزوده می‌شود. با توجه به این موضوع، بازیگری از قابلیت تسلط در دنیای سیاست برخوردار خواهد بود که بتواند با بهره‌گیری از قدرت نرم و تصویرسازی و ارائه وجه‌های مطلوب و مناسب به انتقال درست پیام از طریق معیارهای اجتماعی، هنجاری، ارزشی و نهادی و عناصری همچون دین، فرهنگ، تاریخ و هویت اجتماعی مبادرت ورزد. از این رو، سیاستگذاری در این عرصه می‌بایست در دستور

ایران با توجه به ظرفیت‌ها و گرایش‌های خاص خود، درمقابل با جنگ نرم دشمن از قابلیت خنثی کردن و ظرفیت بکارگیری از آن با توجه به راهکارهای پیش‌گفته برخوردار است.

به عبارتی دیگر، کشور بر خوردار از تمدن و فرهنگ غنی و کهن و توانا به ابتکارهای بدیع فرهنگی می‌تواند در عرصه جهانی بسیار اثرگذار باشد. در واقع این کشورها هر قدر فرهنگ‌شان توان و خلاقیت در سازگاری با طبع بشر داشته باشند به همان میزان تأثیر بیشتری بر مردمان دیگر سرزمین‌ها خواهند داشت و بر شمار علاقه‌مندان‌شان در سراسر جهان افزوده خواهد شد و از این طریق می‌تواند سیاست‌های خود را در عرصه جهانی نهادینه و به منصفه ظهور برسانند. لاجرم، شناسایی قدرت نرم، کارکردها و رویکردهای آن، دستیابی به مفهوم بومی و شناسایی حوزه و گستره آن، همچنین راهکارهای رسیدن به قدرت نرم و در اختیار داشتن آن می‌توانند به عنوان اولویت‌های فرهنگی کشورمان محسوب شوند تا نسبت به آن‌ها اقدام عملی صورت گیرد.

#### منابع

- ۱- احمدی، مجتبی و ابوذر زارع درخشان، حسین هم‌زاده ابانیه (۱۳۸۹)، از ته‌اجم فرهنگی تا جنگ نرم، تهران: انتشارات ساقی، چاپ دوم.
- ۲- افتخاری، اصغر و همکاران (۱۳۸۷)، قدرت نرم و سرمایه اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ۳- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۹)، «مقدمه ای بر ماهیت، ابعاد و مبانی قدرت نرم»، قدرت و جنگ نرم، گردآوری حجت الله مرادی، تهران: نشر ساقی.

حکمت‌های متعالی نهفته در روح آنها با فلسفه و تمدن کنونی رایج در غرب فراهم آمده و حتی مشاهده می‌شود که در خود غرب نیز فرهنگ‌های معنوی‌گرای شرق رسوخ نامحدودی را شروع کرده‌اند. از آنجا که توانمندی بکارگیری قدرت نرم بیشتر در منابع کاربردی است، اما این منابع در دنیای مادی‌گرای غرب بسیار اندک و روبنایی می‌باشد و در عین حال در جهانی که منشأ قدرت عوامل غیر مادی و به طور عمده ریشه در اعتقادات و باورهای الهی و دینی دارد، می‌تواند قدرتهای سخت‌افزاری را تحت الشعاع قرار داده و بر آن‌ها غلبه پیدا کند و این چیزی است که در پیروزی انقلاب اسلامی و اقتدار روزافزون آن اتفاق افتاده است. درواقع، اگر بپذیریم که ظرفیت‌های بالقوه هر کشوری در راستای دستیابی به قدرت نرم ناشی از عناصری خاص است، آن‌گاه در می‌یابیم که جمهوری اسلامی دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای است که طی چند سال اخیر بخشی از آن به طور بالفعل نمایان گردیده و نتیجه آن چیزی جز افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و کاهش نفوذ و همراهی جهانی با اهداف آمریکا نبوده است. این موضوع نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران با توجه مؤلفه‌های قدرت نرم به‌ویژه در حوزه علم، هنر و شرایط فرهنگی خاص خود امکان بهره‌گیری از قدرت نرم را داراست و از ظرفیت لازم در بهره‌گیری از آن با توجه به موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خود برخوردار است. در این فضا، تمدن شکوهمند، با اقتدار، معناگرا، توحیدی و خوش نام ایرانی امکان و توان بسیاری برای مطرح شدن دارد و یقیناً مدیریت هوشمندانه و جسورانه این امر توسط نظام، در نهایت قدرت نرم بی‌بدیلی را برای ایران اسلامی فراهم خواهد نمود. از این رو،



- ۴- ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷)، قدرت نرم در نهضت پیامبر اعظم (ص)، معنا و مفهوم قدرت نرم، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- ۵- بلیک، ژانت و محمدرضا گلشن پژوه (۱۳۸۹)، قدرت نرم و تهدید نرم، پیشنهادی در راستای سیاست‌سازی، فصلنامه راهبرد، شماره پنجاه و پنج، سال نوزدهم.
- ۶- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، تهران: شیرازه.
- ۷- تولایی، محمد (۱۳۸۷)؛ تحلیلی بر گفتمان هیئت حاکمه جدید آمریکا، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- ۸- جمالی، حسین (۱۳۷۹)، تاریخ و اصول روابط بین‌الملل، (بی‌جا): مرکز تحقیقات اسلامی.
- ۹- حجازی، حسین (۱۳۸۷)، ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نرم آمریکا، گزارش جمهور/ ضمیمه فصلنامه تخصصی نامه دولت اسلامی/ شماره ۲۷ و ۲۶.
- ۱۰- رایت، رابین (۱۳۷۲)، شیعیان؛ مبارزان راه خدا، ترجمه علی اندیشه، تهران: نشر قدس.
- ۱۱- رفیع، حسین و سید محمد جواد قربی (۱۳۸۹)، «کالبدشکافی قدرت نرم و ابزارهای کاربردی آن»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال سیزدهم، شماره ۴۷.
- ۱۲- رمضان، روح‌الله (۱۳۸۰)؛ چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
- ۱۳- روشندل، جلیل (۱۳۸۷)، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۴- زرکانی، سیدهادی (۱۳۸۵)، ارزیابی عوامل و متغیرهای موثر بر قدرت ملی و طراحی مدل سنجش
- قدرت ملی کشورها، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۵- عبدالله، عبدالمطلب و محمد صادق بیگلری (۱۳۸۹)، «جایگاه دیپلماسی فرهنگی- ارتباطی در سیاست خارجی ایالات متحده: برنامه‌ها و برنامه ریزان» فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۱۳.
- ۱۶- گروه مطالعات امنیتی (۱۳۸۷)، تهدیدات قدرت ملی شاخصها و ابعاد، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ۱۷- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۹)، «راهکارهای آمریکا برای جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی ایران»، قدرت و جنگ نرم، گردآوری حجت‌الله مرادی، تهران: نشر ساقی.
- ۱۸- مرادی، حجت‌الله (۱۳۸۹)، قدرت جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران: ساقی.
- ۱۹- مورگنتا، هانس جوکیم (۱۳۷۴)، سیاست میان ملت‌ها: تلاش در راه قدرت و صلح، ترجمه حمیرامشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۲۰- نای، جوزف (۱۳۸۷)، قدرت نرم، ترجمه سید محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق.
- ۲۱- هانتینگتون، ساموئل پی (۱۳۷۸)؛ برخورد تمدنها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۲۲- هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۸)، «مقایسه میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، شماره ۱.

- ۲۴- Lynch, J. & Kaplan, G.(۱۹۹۷).  
"Understanding How Inequality in the  
Distribution of Income Effect Health".  
Journal of Health Psychology, Vol.۲.
- ۲۵- Walt, Stephen (۲۰۰۵). "Taming American  
power", foreign affairs  
(September/October).
- ۲۶- Blotz, William G. (۱۹۹۳), "laotzu tao  
teaching" , in Michael loewe (ed.), Early  
chinese texts : Biblio graphical Guide.  
California, Berkely : university of California  
press.
- ۲۷- Douglas, William. (۱۹۶۳), the rights of the  
people. Newyork : pyramid books.
- ۲۸- Kelly, Paul (۲۰۰۲). "Soft Power for Hard  
Heads", the Weekend Australian, No. ۸  
(June).
- ۲۹- Nye , joseph (۱۹۹۰), "the changing nature of  
power" , political science rewiw quarterly ,  
vol. ۱۰۵, No.۴.
- ۳۰- Nye, joseph (۲۰۰۴), soft power , newyork :  
public affairs.
- ۳۱- Taylor, peter. J & flint, colin (۲۰۰۰),  
political Geography, London: sage  
publication.
- ۳۲- Zhang, Yazhi (۲۰۰۱), On the disintegration  
of the Soviet Union, From the perspective of  
Soft Power in culture, <http://dlb.ut.ac.ir/Id1>.
- ۳۳- Taverner, Angus(۲۰۱۰), "The military use of  
soft power information campaigns", soft  
power and us foreign policy, edited by  
inderjeetparmer and Michael cox, New  
York: routledge.